

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.



شاعری که
 اسطوره ملی
 ایران رازنده کرد

نخستین شعر حماسی دوران معاصر آسیاوش کسرایی سروده است. همان شعر معروف «آرش کمانگیر» که به سبک مکتب نیمایی سروده شد تا این منظومه بلند تأثیر زیادی در ماندگار شدن داستان آرش بگذارد. اگر چه منظومه آرش کمانگیر منتقدانی نیز دارد. اما سروده‌های کسرایی که بالحنی حماسی داستان پهلوانی و قهرمانی اسطوره ملی ایران را به تصویر می‌کشد توانست بخشی از حماسه ملی ایران را زنده کند. سروده‌ای که در واقع از قدرت، فداکاری، تلاش و روشنایی و امید با زبانی ساده می‌گوید: آری زندگی زیباست / زندگی آتشگهی درنده پابر جاست / اگر بیغرویش رقص شعله‌اش در هر کران پیداست / اوره خاموش است و خاموشی گناه ماست

جاودانه ترین اسطوره‌های ایران

رستم فرخزاد:
 سردار کبیر ایران که در جنگ کشته شد. باستان‌گرایان ایران او را بزرگترین قهرمان ملی در قرن هفتم میلادی می‌دانند. فردوسی نیز در شاهنامه برای او سروده است.

سورنا: یکی از بزرگترین سرداران ایران بود که در زمان پادشاهی اشکانیان بزرگترین سردار تاریخ جهان نیز نام گرفت. در سال ۵۳ قبل از میلاد کراسوس سردار مشهور روم را با سپاهیان بی‌شمارش شکست داد و تاریخ ایران زمین را دگرگون کرد. سورنا از قهرمانان باستانی ایران است و به همین دلیل ربات‌انسان‌نمایی که توسط مرکز سیستم‌ها و فناوری‌های پیشرفته در دانشگاه تهران ساخته شده، به نام این سردار اشکانی نامگذاری شد.

نادرشاه: می‌گویند این پادشاه افشاری یکی از نوابغ زمان خود بود. زمانی که افغان‌ها و روس‌ها و عثمانی‌ها از اطراف به ایران هجوم آورده بودند و در جهت متلاشی کردن ایران حمله کرده بودند، نادر برخاست و مملکتی را که در نهایت هرج‌ومرج بود را همصدا کرد و لشکر بزرگی آماده کرد و به‌عنوان فرمانده ارتش ایران به آنان حمله کرد.

یعقوب لیث: او نخستین شهپری ایرانی احیاگر زبان پارسی، پس از فروپاشی ساسانیان می‌دانند. یعقوب لیث یک مسگر بود و نمونه دیگری از وطن‌پرستی ایرانیان در برابر هجوم بیگانگان به کشور به شمار می‌رود و به واسطه جوانمردی به امارت سیستان رسید. یعقوب در فرمانی به تمام نقاط ایران، زبان عربی را حذف و زبان پارسی دری را رایج کرد.

جاودانه ترین اسطوره‌های جهان

ویلیام تل: قهرمان اسطوره‌ای سوییسی در قرن چهاردهم است. شخصیت ویلیام تل را شبیه رابین هود می‌دانند چرا که در برابر ظلم از مردم ستم‌دیده دفاع کرد.

ژاندارک: او در زندگی کوتاهش با شجاعت و فروتنی مسیر تاریخ فرانسه را تغییر داد. زمانی که ۱۶ سال داشت خواهان خدمت در ارتش فرانسه شد اما این اجازه را به او ندادند تا این که یک سال بعد با لباس مردانه پیش ولیعهد رفت و در نهایت به ارتش پیوست. ژاندارک قهرمان ملی فرانسوی‌ها در نبرد بالنگلیسی‌ها بود، اما بعد از اسیر شدن و محاکمه‌اش سوی کلیسا سوزانده شد.

هرکول: او نام‌آورترین قهرمان اسطوره‌ای یونان است. استعداد او قدرت شگفت‌انگیز و شجاعتی بود که داشت، اما زانوش و خردبهره‌چندانی نداشت. هنگامی که در گهواره بود دو مار را خفه کرد و در سنین نوجوانی توانست شیری را از پادر آورد. زمانی که هرکول بزرگتر شد نخستین آزمایش واقعی قدرت او کشتن شیر بود. او به عنوان نماد وطن‌پرستی ملی، تنها قهرمانی است که در سراسر یونان ستوده می‌شود و همچنین تنها قهرمانی است که به جاودانگی نایل شد.



گفت‌وگو با نازیلا ناظمی، پژوهشگر تاریخ و اسطوره‌شناس به مناسبت جشن تیرگان

آرش کمانگیر از افسانه تا واقعیت؟

شهادت همت یکی از قهرمانان معاصر ایران است که می‌تواند برای نسل‌های بعدی مانند آرش اسطوره باشد

می‌نشیند.
 • اگر آرش کمانگیر فقط نماد یا تمثیلی از انسانی فداکار یا پیشرو باشد، فکر می‌کنید چرا باید تبدیل به حکایتی شود که نویسندگان اساطیری و ایران باستان این داستان را روایت کنند؟
 آرش شخصیتی اسطوره‌ای و رزمنده در داستان‌هاست. او در داستان‌های حماسی شاید مظهر لشکری بوده که در قالب یک فرد روایت شده است.
 • مرگ آرش بعد از پرتاب تیر چه چیزی را بیان می‌کند؟

ببینید! مرگ آرش، مرگ اسرارآمیزی است که معمولاً قهرمانان افسانه‌ای دچارش می‌شوند؛ مثلاً در افسانه‌های یونان هم هرکول وجود دارد که بعد از مرگ تبدیل به صورت فلکی می‌شود، بنابراین معمولاً قهرمانان افسانه‌ها در پایان دچار مرگ‌های اسرارآمیز شده و گم می‌شوند. آرش هم از همین قهرمانان است که ما نمی‌دانیم عاقبتش چه می‌شود، اما می‌دانیم که چیزی از او باقی نمی‌ماند. اما احتمال دارد که تمام اینها تمثیل‌های ادبی باشد که در کتب باستانی روایت شده است.
 • چه ویژگی‌ای در آرش کمانگیر وجود دارد که نویسندگان بزرگ و باستانی ایران نام او را در کتاب‌ها، اشعار و روایت‌ها نشان آورده‌اند؟
 ویژگی پهلوانی و فداکارانه او که در واقع مردم همه دوران‌ها به چنین منجی‌ای نیاز دارند و این نیاز از چشم نویسندگان بزرگ پنهان نمانده است.
 • مدتی قبل محمدحسین مهدویان، کارگردان سینما در یکی از مصاحبه‌هایش گفت که به دلیل پیوند نزدیکی با فردوسی، نام پسرش را آرش گذاشته و برای او هم داستان‌های شاهنامه را می‌خواند. اما آرش

یک اسطوره و داستان است. روایت داستانی از آرش که از کوه بالا می‌رود و همه جان و نیرویش را برای پرتاب تیر به کار می‌گیرد و بعد از پرتاب تیر هم می‌میرد؛ فقط در کتب باستانی نوشته شده است. بنابراین تا زمانی که مدارک و شواهد دقیقی دال بر وجود حقیقی این شخصیت اسطوره‌ای پیدا نشود، می‌توان گفت که آرش کمانگیر یک تمثیل و شخصیت حماسی-داستانی تلقی می‌شود. با این حال ما هیچگاه نمی‌توانیم بگوییم چنین شخصیتی صد در صد بوده یا نبوده است!
 • آرش اهل کجا بود؟
 ببینید آرش یک شخصیت اسطوره‌ای است که نه قبری دارد و نه محل تولدی! او یک ستاره است که درخشیده و با درخشش ایران را نجات می‌دهد و بعد هم از بین می‌رود. با این حال بنا بر روایت‌های داستانی از کتاب‌های کهن ما می‌دانیم که آرش از سپاهیان منوچهر از پادشاهان اساطیری است. آن‌چه که گفته می‌شود او زاده مناطق البرز و مازندران است؛ اما این موضوع تأییدشده نیست. روایتی وجود دارد که می‌گوید آرش یک جایی دجار سرخوردگی می‌شود و به همین دلیل به منطقه طبرستان کوچ می‌کند. طبرستان در واقع حدود کوهستانی مازندران است.
 • در روایت اصلی آرش کمانگیر تیر را از چه منطقه‌ای پرتاب می‌کند و تیر در کدام منطقه می‌نشیند؟
 وقتی از طرف ارتش برای آرش پیغام فرستاده می‌شود که قرار است تیری پرتاب شود تا مرز بین ایران و توران مشخص شود و کسی بهتر از تو نمی‌تواند این کار را انجام دهد، آرش دوباره به ارتش می‌پیوندد. بنا بر روایت آرش از کوه دماوند بالا می‌رود و تیر را پرتاب می‌کند و تیر از رود جیحون عبور می‌کند و در ماوراءالنهر بر درخت گردویی

به‌ناز مقدسی فکرش را بکنید! یک نفر از کوه دماوند بالا برود تیر و کمانش را به سمت آسمان نشانه بگیرد و برای تعیین مرز ایران و توران همه جان و توانش را در سرنوشت تیر بگذارد تا جایی که بعد از پرتاب تیر به کام مرگ فرو رود. ایران در همه دوره‌های تاریخی قهرمانان و پهلوانانی را به خود دیده که در راه دفاع از وطن و مرزهایشان حماسه آفریده‌اند. داستان آرش کمانگیر هم روایت یکی از همین قهرمانانی است که سینه‌به‌سینه از گذشتگان نقل شده است. با این حال داستان آرش همواره در حال‌های از ابهام قرار داشته و نقل ماجرای آرش و کمانگیری‌اش این سوال را ایجاد می‌کند که این داستان افسانه است یا واقعیت؟

فردا سیزدهم تیر ماه روزی است که بنا بر روایات تاریخی آرش بر بالای کوه رفت و حماسه بزرگی را برای ایران خلق کرد. این روز مصادف با جشن چند هزار ساله تیرگان است و به همین دلیل ایرانی‌ها در آیین برپایی این جشن از آرش و کمان و فداکاری‌اش یاد می‌کنند. به همین مناسبت با نازیلا ناظمی، کارشناس ارشد تاریخ معاصر و پژوهشگر ادبیات و داستان‌های تاریخ گفت‌وگو کردیم و از او درباره آرش و دلاوری‌ها و افسانه‌ها و واقعیت‌بودن ماجرا پرسیدیم.

• آرش کمانگیر از نگاه یک پژوهشگر داستان‌های تاریخی دقیقاً چه شخصیتی است؟

از نظر من آرش کمانگیر نیاز همه انسان‌ها است؛ ما در هر برهه‌ای از زمان به یک آرش و یک قهرمان نیاز داریم. در زمان‌هایی که انسان در تنگنا قرار می‌گیرد و دشمن به او حمله می‌کند، آرش در واقع یک نمادی از امید و گشودن راه است. ما همیشه به قهرمانی که خودش را فدای دیگران کند، نیاز داریم. کاری که در واقع آرش می‌کند و باری را که باید جنگنده‌ها به دوش بکشند، او یک تنه به عهده می‌گیرد.

• خانم ناظمی خیلی از مردم وقتی با داستان‌های اساطیری روبه‌رو می‌شوند، این سوال برایشان پیش می‌آید که این روایت‌ها افسانه است یا واقعیت؟! آرش کمانگیر شخصیتی حقیقی و واقعی است؛ یعنی چنین شخصیتی واقعاً وجود داشته است؟

ببینید فردوسی در شاهنامه یک بیتی سروده است که می‌گوید: که رستم یلی بود در سیستان که من کردمش رستم داستان. آرش در دنیای اسطوره‌های ما هم

• در هر برهه‌ای از زمان به یک آرش و یک قهرمان نیاز داریم
 • آرش یک شخصیت اسطوره‌ای است که نه قبری دارد و نه محل تولدی!
 او یک ستاره است که درخشیده و با درخشش ایران را نجات می‌دهد و بعد هم از بین می‌رود
 • بنا بر روایت آرش از کوه دماوند بالا می‌رود و تیر را پرتاب می‌کند و تیر از رود جیحون عبور می‌کند و در ماوراءالنهر بر درخت گردویی می‌نشیند
 • آرش شخصیتی حماسی است، اما شخصیت شاهنامه نیست. نام او چندین هزار سال قبل از سروده شدن شاهنامه در کتب باستانی آمده بود و بی‌شک او قهرمان زاینده‌شده در شاهنامه نیست

